

مجمره

رساله در عطرکشی

در تعریف عطر و شناختن و ساختن آن

تألیف

حاج محمدکریم بن ابراهیم کرمانی

تصحیح، مقدمه و تعلیقات

دکتر بهناز پیامنی

نشر علم
تهران ۱۳۹۳

سرشناسه	: کرمانی، محمد کریم بن ابراهیم، ۱۲۲۵-۱۲۸۸ق.
عنوان و نام پدیدآور	: مجمره: رساله در عطرکشی در تعریف عطر و شناختن و ساختن آن / تالیف محمد کریم بن ابراهیم کرمانی؛ تصحیح، مقدمه و تعلیقات بهناز پیامنی.
مشخصات نشر	: تهران: نشر علم: ۱۳۹۳
مشخصات ظاهری	: ۲۴۰ص
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۲۲۴-۶۳۸-۰
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
موضوع	: عطرها—تاریخ
موضوع	: عطرسازی — تاریخ
شناسه افزوده	: پیامنی، بهناز، مصحح
رده‌بندی کنگره	: TP ۹۸۳/ک۴م۳ ۱۳۹۳
رده‌بندی دیویی	: ۳۹۱/۶۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۴۵۴۳۰



نسخه

مجمره: رساله در عطرکشی در تعریف عطر و شناختن و ساختن آن

مولف: محمد کریم بن ابراهیم کرمانی

مصحح و تعلیقات: بهناز پیامنی

نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۳

چاپ و صحافی: رامین

شمارگان: ۵۵۰ جلد

خیابان انقلاب - خ ۱۲ فروردین - خ شهدای ژاندارمری

بن بست گرانفرپلاک ۴ تلفن: ۶۶۴۱۲۳۵۸

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۲۴-۶۳۸-۰

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۹	درآمدی بر تاریخچه عطرو عطرسازی.....
۱۵	سخنی درباره احوال و آثار مؤلف.....
۱۶	ملاحظات درباره مجمره.....
۱۶	معرفی نسخه‌ها.....
۲۲	روش تصحیح و نکاتی درباره مختصات رسم الخط در نسخه.....
۲۵	پی‌نوشت.....
۲۷	مجمره: رساله در عطر کشی؛ در تعریف عطرو شناختن و ساختن آن.....
۳۳	مقدمه؛ در ذکر بعضی از اخبار که در فضل طیب‌ها و عطرهاست.....
۴۳	پی‌نوشت.....
۴۹	در بعضی کلیات در خصوص اطیاب.....
۵۷	باب اول؛ در ذکر غالبه‌ها.....
۶۵	باب دوم؛ در اطیابی که به عنوان ارکجه مذکور شده است.....
۷۵	باب سوم؛ در عیبرها.....
۷۹	باب چهارم؛ در عطرها.....
۹۰	دستور ساختن عطربه آسانی که حقیر اختراع کردم.....
۹۳	باب پنجم؛ در بخورات و ندها.....
۹۵	در بخورات و ندها که آنها را به فارسی کشته گویند و آن اقسام است.....
۹۹	باب ششم؛ در شمات.....
۱۰۵	باب هفتم؛ در عطریات متفرقه.....
۱۱۴	دستور گرفتن روغن‌های خوشبو.....
۱۲۰	خاتمه.....
۱۲۴	فهرست لغات و اصطلاحات.....
۱۸۰	پی‌نوشت.....

۱۹۲.....	فهرست ها و نمایه ها
۱۹۴.....	تصاویر نسخه های موجود
۲۱۲.....	فهرست احادیث و روایات
۲۱۶.....	فهرست نام های خاص
۲۱۸.....	فهرست گیاهان و معطرات
۲۳۲.....	فهرست جای ها
۲۳۶.....	مشخصات مراجع

درآمدی بر تاریخچه عطر و عطرسازی

اعتقاد به تأثیر شگفت‌انگیز گیاهان و نیروی نهفته در آنها از گذشته با بشر همراه بوده و زندگی او را تحت تأثیر قرار داده است. باورمندی به قدرت جادویی شفابخشی و یا مرگ‌آفرینی گیاهان هرگز از اندیشه انسان‌ها جدا نبوده است تا آنجا که به تفکر گیاه‌تباری نزدیک و متمایل گردید. به همین دلیل در سابقه اساطیری خود برای نسل و نژادش شجره‌نامه آفرید تا هرچه بیشتر به این منبع نیرومند نزدیک شود و از خطرات و آسیب‌های احتمالی آن بر خود و اطرافیان و محیط پیرامونش بکاهد. این همنشینی با گیاهان و تبارشناسی نباتی، محدود به شناخت یک باور دور اساطیری نشد و انسان توانست در طول زمان از فواید و تأثیرات این عنصر نخستین وجودی - به زعم او - آگاهی بیشتری به دست آورد تا آنجا که آن را مقدس شمرده، در همه آیین‌ها و مراسم دینی - به شیوه‌های مختلف - به کار برد.

این نوع تفکر، انسان را به سوی شیوه‌های متنوعی برای بهره‌مندی بهتر و بیشتر از این منبع تقدس با هدف برکت بخشی به زندگی و محیط پیرامون، رهنمون ساخت تا آنجا که در کنار شیوه‌هایی مانند گیاه درمانی به عطرسازی نیز روی آورد.

اسطوره از «وَرَجَمَكَرد» با ما سخن می‌گوید که در آن «تخم همه رستنی‌هایی را که بر این زمین، بلندترین و خوشبوترین‌اند... و تخم همه خوردنی‌هایی را که بر این زمین، خوردنی‌ترین و خوش‌بوی‌ترینند» موجود است؛^(۱) که نشان از ارزشمندی عطر گل و گیاه برای بشر دارد و این باور وجود دارد که جمشید «بویها [ی خوش به‌کار داشت] چون عود و مشک و کافور و عنبر و غالیه»^(۲) ارزشمندی بو و عطر گل‌ها و گیاهان

برای بشر تا آنجاست که بهشت بدون آنها تصور نمی‌شود. طبری می‌گوید این پادشاه به مردم دستور داد: «انواع عطرها و داروها را مهیا سازند»^(۳).

ارداویراف مقدس در بهشتی گام برمی‌دارد که پر از عطر خوش گل‌هاست «در سپیده دم روز سوم، آن روان اهلوان در میان گیاهان با بوی خوش می‌گشت و این بوی به نظر او از همه بوهای خوش که در زمان زندگی به بینی او شده بود خوش‌تر می‌آمد»^(۴). در چنین مکانی «پارسایان در بهشت، آسوده از پیری و مرگ و بیم و غم و آسیب‌اند و همیشه پر فرّه و خوشبوی و خرم و پر شادی و پر نیکی‌اند و هر زمان باد خوشبوی و بویی همانند بوی گل به پذیره آنان آید که از هر خوشی خوش‌تر و از هر عطر خوشبوی‌تر است»^(۵).

در نگاه ایرانیان باستان هر گلی منسوب به امشاسپندی است. از این رو مقدس‌اند «...مورد و یاسمن، هرمنز را خویش است و یاسمن سپید، بهمن را، و مرزنگوش، اردیبهشت را و شاه‌اسپرغم، شهریور را، پلنگ‌مشک، سپندارمذ را و سوسن، خرداد را... نیلوفر، آبان را... نرگس، ماه را... بنفشه، تیر را... سنبل، بهرام را... بادرنگ‌بویه، باد را... گل یکصد برگ، دین را، همیشه‌بهار، ارد را، آلاله، اشتاد را...»^(۶).

در ارت‌یشت نیز ایزد(ارت) برای خشنودکنندگان خود «تخت‌هایی خوش‌ساخت، خوب‌گسترده و خوشبو... عطا می‌کند»^(۷). در ارداویرافنامه بوی خوش گل‌ها و گیاهان از ناحیه ایزدان می‌وزد.^(۸)

در بندهش به نام گل‌ها و گیاهان خوشبو اشاره می‌شود: «هرچه را ریشه یا پوست یا چوب بویا است چون کندر، راش، کوست،...، صندل، پلنگ‌مشک، کاکوله، کافور، بادنج‌بوی، و دیگر از این‌گونه، بوی‌دار خوانند». همچنین آمده است: «هرچه را برگ بویا و به دست‌ورز مردمان کشته شود و همواره هست اسپرغم خوانند. هرچه را شکوفه خوشبوی است و به (دست) ورز مردمان هنگام باشد یا بن همواره هست و به هنگام بشکوفه خوشبوی از او بشکفد مانند گل و نرگس و یاسمن و نسترن و آلاله، کبیکه و کیده و چمبگ، خیری، کرکم، زردک، بنفشه، کاردک، دیگر از این‌گونه گل خوانند»^(۹).

در اوستا یکی از نشانه‌های سرزمین‌های آباد، وجود عطرهاى خوش در آن و معطر بودن هوای آن است.^(۱۰)

در اساطیر نیز به خاصیت درمانی و شفابخشی گیاهان تحت تأثیر ماه اشاره می‌شود تا آنجا که در باور ملل کهن با «گیاه زندگی» روبه‌رو می‌شویم.^(۱۱) این خاصیت درمانگری را که از آفریده‌های اهوره مزداوند^(۱۲) در وندیداد به خوبی می‌توان مشاهده کرد «همه این گیاهان دارویی را با بزرگداشت و آفرین و نیایش برای درمان مردمان فرامی‌خوانیم... / من می‌گویم: ای بیماری دور شو / من می‌گویم: ای مرگ دور شو / من می‌گویم: ای درد دور شو / من می‌گویم: ای تب دور شو / من می‌گویم: ای ناخوشی دور شو / به نیروی گیاهان دارویی «دروج» را فرو می‌کوبیم / من بیماری را دور می‌رانم / من مرگ را دور می‌رانم / من تب را دور می‌رانم / من پوسیدگی و گندیدگی را - که اهریمن به پتیارگی خویش برای گزندرسانی به تن مردمان آفرید - دور می‌رانم / من همه گونه‌های بیماری‌ها و مرگ‌ها را دور می‌رانم / من همه جادوان و پریان و همه «جینی»‌های تبهکار را دور می‌رانم».^(۱۳) برخی از اسطوره‌شناسان بر این باورند که این خاصیت درمانگری و شفابخشی بعضی از گیاهان از این بابت است که این گونه گیاهان یا نمونه‌ای مینوی دارند و یا نخست بار ایزدی آنها را چیده و جمع‌آوری کرده است. هیچ نباتی به خودی خود شریف و ارزشمند نیست، بلکه فقط از طریق مشارکت و انبازیش با یک نمونه ازلی و یا به سبب تکرار اعمال و خواندن اوراد و نیرنگ‌هایی که آن را از قلمرو ناسوتی پیرامونش جدا کرده متبرکش می‌سازد، دارای ارزش می‌شود.^(۱۴)

در اسطوره‌های دینی ریشه همه گل‌ها و گیاهان خوشبو را باید در بهشت جست‌وجو کرد. آن گونه که از این منابع برمی‌آید «چون آدم^(۱۵) از بهشت بیرون آمد پنج چیز با وی بود... و چهارم دو برگ انجیر بود که چون آدم از حله جدا ماند دو برگ انجیر کنده بود و خویشتن بپوشید و حوا^(۱۶) نیز دو برگ انجیر بکنده بود چون به دنیا آمدند از آن دو برگی آهو بخورد تا روز قیامت از او مشک همی‌آید و یکی گاو بخورد تا قیامت همی‌دهد».^(۱۷)

در تاریخ سیستان هم در مقام مقایسه از مشک و کافور و عنبر به عنوان برترین عطرها یاد می‌شود.^(۱۶)

اهمیت عطر گل‌ها و گیاهان گاه به درختان نیز سرایت می‌کند در کهن‌ترین اسطوره بشر، گیل گمش، با درختان سدري روبه‌رو می‌شویم که ویژگی آنها خوشبویی است و آن قدر ارزشمند است که قطع کردن آن موجب پادافره خواهد شد «هرکه درخت سدر را قطع کند، سرسختانه پادافره خواهد دید».^(۱۷)

با توجه به باور انسان روزگاران گذشته بهره‌گیری از بوهای مطبوع و خوشایند در آیین‌های مختلف کاربرد داشته است. در تاجگذاری پادشاهان استفاده از روغن‌هایی که ترکیبی از مواد گوناگون بود رواج داشته و از عطرها هم بسیار استفاده می‌شده است.^(۱۸) علاوه بر به‌کارگیری عطر در کاخ پادشاهان به منظور ایجاد بوی خوش، آرایشگران سلطنتی «مو و ریش آنها (پادشاهان) را مجدد و سپس با روغن‌های معطر و انواع مواد معطر روغن مالی می‌کردند».^(۱۹) بالطبع توجه ویژه پادشاهان و طبقه اشراف - به‌ویژه در دوران هخامنشی - به مواد معطر به تدریج فضای مناسب برای شکل‌گیری مشاغل مرتبط با این کار از جمله عطرسازی را ایجاد می‌کرد و موجبات حضور افراد بسیاری در دربار را فراهم می‌آورد؛ به طوری که تاریخ از حضور چهل نفر عطرساز در اردوی داریوش سوم با ما سخن می‌گوید.^(۲۰) به گونه‌ای که عطرها متنوع با کاربردهای متفاوت و مورد نظر پادشاهان به وجود می‌آید.^(۲۱)

وجود این گونه تنوع در عطرها با توجه به جنسیت افراد نیز قابل دسته‌بندی به عطرها و ویژه زنان و مردان بوده است. نکته دیگر اینکه چگونگی استفاده از عطرها هم با توجه به نوع به‌کارگیری برای آرایش صورت، مو، بدن و لباس متفاوت بوده است.^(۲۲) در آیین تدفین درگذشتگان نیز از چهار گیاه خوشبو استفاده می‌شده است که بر اساس اوستا عبارت بود از: «اورواسنی»، «وهو-گون»، «وهو-کرتی» و «هذنا-نپتا».^(۲۳)

ساخت عطر محدود به گل‌ها و گیاهان و یا ترکیب آنها نبود و چوب‌های معطر درختانی مثل صندل و ساج هم از دیرباز جایگاه خاصی در اندیشه گیاه‌شناسی و

عطرسازی بشر داشته است. واژه‌ای که برای این دسته از چوب‌ها که در هنگام سوختن بوی خوش از آنها پراکنده می‌شود به کار می‌رود «هوبثوذی» به معنی خوشبوست.^(۲۴)

آنچه از متون تاریخی به دست می‌آید آگاهی از این نکته است که دانش عطرسازی تا آنجا در میان مردم مناطق مختلف گسترش یافت که حتی برخی از شهرها به داشتن و استفاده برخی از عطرها شهرت داشته‌اند. حمدالله مستوفی به «مشمومات چون نیلوفر و بنفشه و یاسمن و نرگس» در شهر شاپور اشاره می‌کند.^(۲۵)

در دین اسلام نیز- که نظافت را نشانه ایمان می‌داند- عطر و خوشبوسازی خود و فضای پیرامون، مورد توجه قرار گرفت و احادیث و روایات بسیاری از پیامبر اسلام (ص) و ائمه معصومین (ع) در زمینه اهمیت عطر و فضیلت بعضی از انواع آن ذکر شده است: در سنن النبی به نقل از پیامبر اسلام (ص) آمده است: «دوستم جبرئیل به من گفت: یک روز در میان خود را معطر ساز و این کار در روزهای جمعه ترک نشود».^(۲۶) از امام کاظم (ع) نیز منقول است: «شایسته است که مرد هر روز از بوی خوش استفاده کند».^(۲۷) در روایتی از امام صادق (ع) نیز آمده است: «دو رکعت نماز با عطر بهتر از هفتاد رکعت نماز کسی است که عطر نزده است».^(۲۸) وجود چنین احادیث و روایاتی از بزرگان دین، اهمیت خوشبوکننده‌ها را در دین اسلام آشکار می‌سازد.

گسترش دانش قوم ایرانی در زمینه شناخت فواید گیاهان و گل‌ها و راه‌های استفاده از آنها تحت تأثیر آموزه‌ها و توصیه‌های دینی در خصوص اهمیت استفاده از عطر و عصاره گیاهان موجب گردید در کنار دانش پزشکی و گیاه‌درمانی در صنعت عطرسازی هم از آنها بهره‌مند شوند تا آنجا که در مواردی برای معطر ساختن شربت‌ها و نوشیدنی‌های خود نیز از عطر گل‌ها- از جمله گلاب- استفاده کنند. با گذشت زمان و افزایش سطح دانش صاحبان این هنر/ صنعت، انواع عطرها شکل گرفت که با توجه به منبع و مواد اولیه برای ساخت انواع آن «گیاهی یا جانوری» دو دسته عطر- پایه به وجود آمد. نخست: عطر- پایه‌های گیاهی شامل گل‌ها و گیاهان معطر، صمغ‌ها، چوب‌ها، دانه‌ها، شکوفه‌ها و... و دیگر: عطر- پایه‌های جانوری که به دو دسته «خشکی منشأ» و

«دریایی منشأ» تقسیم می‌شوند. که نوع نخست از جانورانی مثل آهوی مشک و گربه مشک که در خشکی زندگی می‌کنند به دست می‌آید و نوع دوم از جانوران دریایی مثل ماهی عنبر و نوعی صدف به نام اظفارالطیب یا ناخن پریان تهیه می‌شود.^(۳۹) نکته دیگر در این صنعت، تنوع شیوه‌های ساخت و نحوه استخراج عطراست که از آن میان می‌توان به تقطیر کردن، روغن‌گیری، بخور سوزاندن اشاره کرد.^(۴۰)

در شیوه تقطیر دو روش کاربرد دارد که عبارتند از: ساده و مخلوط شیوه نخست رایج‌ترین نوع تهیه عطر بوده است که پس از آماده‌سازی برای افزایش دوام به آن عطرها روغنی و مواد معطر دیگر به‌ویژه مشک و عنبر می‌افزوده‌اند. در شیوه دوم مواد معطر دیگر نظیر صمغ‌ها، دانه‌ها، چوب‌ها و عطریه‌های جانوری را درون عصاره‌های مقطر مانند گلاب و عرق بیدمشک خیسانده، سپس به روش نخست- تقطیر ساده- تقطیر می‌کرده‌اند.

روغن‌گیری نیز به دو شیوه حرارتی و سرد صورت می‌گرفته است. در شیوه نخست مواد معطر را برای مدت معینی درون برخی از روغن‌ها نظیر بادام یا روغن دانه‌های معطر قرار داده پس از طی فرایندی طولانی، شامل عصاره‌گیری، حرارت دادن و صاف کردن تهیه می‌کرده‌اند. در روش دوم عصاره مقطر معطر مواد خوشبوی را درون ظرفی ریخته پس از مدتی لایه بسیار نازکی که بر روی ظرف تشکیل می‌شد را جمع‌آوری کرده، به کار می‌گرفته‌اند.

بخور سوزاندن هم به دو شیوه خشک و مرطوب انجام می‌شده است. در روش نخست مواد خشک یا نیمه خشک را درون آتشدان ریخته می‌سوزاندند. در روش دوم نیز عطرها روغنی را در آتش می‌سوزاندند.^(۴۱) وجود این شیوه‌ها در دوره‌های مختلف و اهمیتی که به این کار داده می‌شده است موجب گردید تألیفاتی نیز در این موضوع تحریر گردد که از آن میان می‌توان به مجمره که رساله‌ای است با موضوع عطر و عطرکشی اشاره کرد که در ادامه به بیان توضیحاتی درباره این اثر و مؤلف آن پرداخته خواهد شد.

سخنی درباره احوال و آثار مؤلف

حاج محمدکریم بن ابراهیم کرمانی در هجدهم محرم سال ۱۲۲۵ ق در کرمان متولد شد. پدرش ابراهیم خان ظهیرالدوله، حاکم کرمان (۱۲۱۸ق) و مادرش دختر میرزا رحیم، مستوفی تغلیس بود. وی که فرزند ارشد خانواده بود، توانست به دلیل جایگاه اجتماعی پدر، در طی حکومت بیست و دو ساله بر دیار کرمان، از امکانات بسیاری که از همان دوران کودکی در اختیار داشت برای آموختن علوم و دانش‌های آن روزگار بهره گیرد و در مدرسه‌ای که پدرش در کرمان تأسیس کرد^(۳۲) به تحصیل بپردازد.

از نخستین معلمان او می‌توان به سیدزین‌العابدین مجتهد و میرزا محمدعلی اصفهانی خوشنویس اشاره کرد که در محضر او خط می‌آموخت. حاج محمدکریم به تدریج توانست به پایگاهی در علوم دست یابد که از او با عناوینی از جمله متکلم، مورخ، محدث و شاعر یاد شود.

کرمانی شانزده ساله بود که پدرش درگذشت. پس از این اتفاق به منظور استفاده از تعالیم سیدکاظم رشتی (۱۲۱۲-۱۲۵۹ق)، جانشین شیخ‌احمد احسائی (۱۱۶۶-۱۲۴۱ق) به کربلا سفر کرد و به مدت یک‌سال در حلقه شاگردان وی قرار گرفت. پس از مدتی به کرمان بازگشت و بعد از رسیدگی به امور املاک و موقوفات پدر دیگر بار به اتفاق همسرش به کربلا بازگشت و در آنجا اقامت گزید. کرمانی علاوه بر سیدکاظم رشتی از علمای دیگری نظیر ملاحسین گنجوی و آقا محمدشریف کرمانی اجازه روایت یافت. وی که از مخالفان فرقه بابیه بود نخستین کسی است که ردیه‌ای بر عقاید سیدمحمد باب نوشته است.

سرانجام روز دوشنبه دوم شعبان ۱۲۸۸ق در روستای «ته رود» نزدیک شهر کرمان در مسیر مسافرت به عتبات درگذشت و در کنار قبر سیدکاظم رشتی در کربلا به خاک سپرده شد.

در تعداد آثار به جای مانده از محمدکریم خان کرمانی اختلاف نظر وجود دارد تعداد

تالیفات او را ۲۲۷، ۲۴۶ و ۲۷۸ جلد نیز گفته‌اند.^(۳۳)

برخی از مهم‌ترین تألیفات وی عبارتند از: ایقان فی اعجازالقرآن، تقویم‌العوج، تقدیم‌اللسان، تسلیت‌نامه، جوامع‌العلاج، جهادیه، حدائق‌الاصول، دقائق‌الفلاح، رساله بهبهانیه، رساله در فقه، شرح دعای سحر، فصل‌الخطاب‌الهادی السی طریق‌الصواب، هداية الطالبین، طریق‌النجاة، خلاصة‌التقویم، سؤالات احمدیه، کتاب‌الموجز فی الطهاره، تیر شهاب در رانندن باب، هداية‌العوام، سی فصل، الفصول، حرز منقول من علاج‌الارواح، مجمره، کنز‌الرموز، دیوان کرمانی، مثنوی عرفانی و... (۳۲)

ملاحظاتى درباره مجمره

آنچه مجمره معرفی می‌شود رساله‌ای است با موضوع عطر و انواع آن؛ و نیز شیوه‌های گوناگون ترکیب و ساخت انواع عطر که مؤلف با مراجعه به منابع زمان خود جمع‌آوری نموده است. در این اثر، مؤلف در مقدمه پس از بیان موضوع اثر که دربارهٔ عطرسازی است به بیان احادیث و روایاتی از معصومین می‌پردازد تا ضمن بیان اهمیت موضوع، نکاتی را نیز دربارهٔ فضل برخی از انواع عطر بر سایرین با ذکر سند معتبر برای خوانندگان یادآوری کند.

تقسیم‌بندی دقیق، فصل‌بندی منظم، رعایت امانت در بیان اوزان و مقادیر و نیز تسلط کامل بر موضوع، از دیگر ویژگی‌های این رساله است. مؤلف در فصل‌های هفت‌گانه با توجه به نوع عطر ابتدا به شیوه تلفظ درست نام آن می‌پردازد؛ سپس به توضیح کوتاهی دربارهٔ نوع عطر مورد نظر بسنده می‌کند و بعد همه انواع زیرمجموعه آن را با دقت قابل توجهی در بیان مقادیر و اوزان ذکر می‌کند. غالیه‌ها، ارکجه‌ها، عبیره‌ها، عطرها، بخورات و نذها، شمامات و عطریات متفرقه مواردی است که مؤلف ضمن توجه به آنها، مورد بررسی قرار داده است که در بخش معرفی نسخهٔ اساس، به تفصیل به آنها خواهیم پرداخت.

معرفی نسخه‌ها

بر اساس فهرست‌وارهٔ دست‌نوشته‌های ایران (دنا) اثر مصطفی درایتی و فهرست نسخه‌های

خطی فارسی اثر احمد منزوی از مجمره شش نسخه موجود است که در ذیل بدان‌ها اشاره می‌شود.

۱. نسخه کتابخانه ملی ملک: نسخه با شماره ۴۳۸۴/۱ دربخش نسخ خطی کتابخانه ملی ملک موجود است. به خط نسخ و دارای ۴۴ صفحه ۱۶ سطری است. آغاز نسخه با عبارت «بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين و لعنة الله على اعدائهم اجمعين و بعد چنین گوید بنده ائیم کریم‌بن ابراهیم...» آغاز شده و در انجامه نسخه به نام کاتب اشاره نشده و با عبارت «تمام شد بر دست مؤلفش کریم‌بن ابراهیم در شب هفتم ماه مبارک رمضان سنه هزار و دویست و هفتاد هجری حامداً مصلياً مستغفراً» به پایان می‌رسد و شامل مقدمه، هفت باب و خاتمه به اختصار ذیل است:

مقدمه: شامل مطالبی با موضوع عطر و عطرسازی و بیان اهمیت سازگاری انواع عطر با مزاج و طبیعت افراد است.

باب اول: در ذکر غالیه‌ها که در آن پس از ارائه تعریفی از غالیه، ترکیب هجده نوع غالیه را برمی‌شمارد.

باب دوم: در اطمینانی که به عنوان ارکجه مذکور شده است. در این باب ترکیب هجده نوع ارکجه، دو عبیرمایه و مید بیان می‌شود. به کارگیری لغاتی مثل بسیار تحفه، خوشبو و نیکو و ارکجه عطاران هند در معرفی و نحوه ترکیب برخی از ارکجه‌ها و عطرها نشان‌دهنده اطلاع دقیق نویسنده از چگونگی ساخت عطر و نیز آشنایی با شیوه‌های مختلف عطرسازی در سرزمین‌های دیگر دارد. در ضمن باب دوم پس از بیان ارکجه‌های هجده‌گانه و نیز ارائه نظر خود درباره نحوه ترکیب و ساخت ارکجه به بحث درباره عبیرمایه به دلیل کاربرد آن در ساخت ارکجه می‌پردازد. همچنین نحوه ترکیب عنصری به نام مید را که مایه برخی از عطرهاست، بیان می‌کند.

باب سوم: در عبیرها؛ صاحب اثر در این باب ضمن اشاره به کاربرد عبیر برای معطرسازی موی زنان و نیز لباس‌ها از چهار نوع عبیر و نحوه ترکیب و ساخت آنها یاد

می‌کند؛ همچنین برای ابزارهای عطركشی توضیحاتی ارائه می‌دهد.

باب چهارم: در عطرهاست که مراد روغن‌های مصغده از عقاقیر عطره باشد. در این باره نویسنده از پنج نوع ارکجه، سه عطر فتنه و سه عطر مجموعه در ضمن اشاره به عطرهاى مجموعه یاد می‌کند. در این باره از وسیله‌های عطركشی نیز می‌نویسد؛ اما تصویری از آن ارائه نمی‌دهد. اما در نسخه‌های تهران، قم و آستان قدس تصویر مورد نظر آمده است. در این بخش دستور ساختن عطری را که خود اختراع کرده است آموزش می‌دهد.

باب پنجم: در بخورات و ندها که آنها را به فارسی گشته گویند. در این باب نه نمونه بخور همراه با دستور ترکیب و ساخت معرفی می‌شود.

باب ششم: در شمامات است. در این باب ضمن ارائه تعریفی از شمامه به‌عنوان مرکبی خوشبو که آن را به شکل سیب یا غیر آن برای بوییدن می‌سازند از پنج نوع شمامه یاد می‌شود.

باب هفتم: در عطریات متفرقه. در این باب به موارد ذیل و چگونگی ساخت آنها اشاره می‌شود: تسبیح عنبر، شمع عنبر سه نوع، فتیله عنبر دو مورد، فتیله عود، شمع بخور، عود مطراً، چووه عود مفرد، چووه عود مرکب، شند (که از جمله اطياب است)، عرق فتنه و کافور مصغد، حلّ عنبر، حلّ کافور و حلّ حصی لبان. در این باب همچنین بخشی با عنوان دستور گرفتن روغن‌های خوشبو آمده که در آن به روغن گل سرخ، بنفشه، زنبق، یاس و گل رازقی پرداخته شده است.

خاتمه: در این بخش معادل فارسی اوزان و مقادیر عطرهایی که در هفت باب رساله بر اساس گفته صاحب اثر از نسخه‌های هندی گرفته شده، آمده است. کلماتی مثل: سرخ، ماشه، توله، دام، اثار، پاو، سیرتام، استار، اوقیه، حبه، دانگ، رطل، قیراط، من طبی، متقال صیرفی، درهم، متقال طبی از این قرارند.

با توجه به عدم اشاره به نام کاتب و نیز اشاره به تاریخ ۱۲۷۰ ق؛ که نسبت به سایر نسخه‌ها دارای تقدّم زمانی است و نیز دقت مؤلف در نگارش صحیح کلمات- بیش از

دیگر نسخه‌ها - این نسخه اساس انتخاب شد. نکته قابل ذکر در مورد این نسخه اینکه تصویری که در بعضی از نسخه‌ها در باب سوم از ابزار عرق‌گیری آمده در این نسخه موجود نیست و کاتب صرفاً به ذکر توضیحاتی در مورد وسیله مورد نظر اکتفا نموده است. مصحح از این نسخه درپاورقی به اختصار با عنوان «اساس» یاد کرده است.

۲. نسخه کتابخانه امامزاده هلال‌بن‌علی آران و بیدگل: نکته دیگر اینکه در فهرست‌واره دستنوشته‌های ایران (دنا) و نیز فهرست نسخه‌های خطی فارسی به نسخه آران کاشان - محمد هلال با شماره ۲۲۰ اشاره شده و کلمه مؤلف / نستعلیق آمده است. همچنین عبارت «پاره شده است» نیز به چشم می‌خورد و نیز از بدون تاریخ بودن نسخه یاد شده است. علی‌رغم تلاش بسیار مصححان نسخه و مراجعه به کتابخانه امامزاده هلال‌بن‌علی آران کاشان برای دستیابی به تصویری از نسخه متأسفانه به دلیل عدم همکاری مسئولان، دستیابی به نسخه ممکن نشد؛ لذا نسخه کتابخانه ملی ملک به دلایل مذکور، نسخه اساس در نظر گرفته شد.

۳. نسخه کتابخانه دارالحدیث قم: این نسخه با شماره ۳۲ در کتابخانه مؤسسه دارالحدیث قم به خط نستعلیق، ۱۶ برگ ۱۹ اسطری^(۳۵) به کتابت علی‌اکبر بن محمد صادق نگهداری می‌شود. این نسخه در ششم شوال ۱۲۷۶ کتابت شده است و رساله هفدهم از مجموعه هفده‌گانه رساله‌های محمدکریم کرمانی است و از برگ ۵۹ تا ۷۵ را شامل می‌شود. در برگه یازده این نسخه، تصویری از ابزار عرق‌گیری و عطرسازی آمده است. در انجامه این نسخه نیز تاریخ ۱۲۷۲ ق، زمان تألیف اثر شناخته شده است. «تمام شد بر دست مؤلفش کریم‌بن ابراهیم در شب هفتم ماه مبارک رمضان از سنه هزار و دوست و هفتاد و دو هجری حامداً مصلیاً مستغفراً تمام شد کتابت این نسخه شریفه به خط اقل‌الدهر علی‌اکبر بن آقا محمد صادق فی ششم شهر شوال المکرم فی شهور سنه ۱۲۷۶ در دارالسلطنه تبریز».

کاتب در حاشیه صفحه پایانی به مغلوط بودن نسخه‌ای که از روی آن استنساخ نموده اشاره کرده، آورده است «فرض نماید که آن نسخه که حقیر از رویش استنساخ

نمودم بسیار مغلوپ بود و چون در تبریز غیر از همان یک نسخه مغلوپ نسخه دیگر یافت نمی شد علی العجاله، رونویسی از آن شد تا انشاءالله بعد از این نسخه صحیحی به دست آورده مقابله نمایم به جهت اطلاع ناظران عرض شد والسلام علی من اتبع الهدی». مصحح از این نسخه در پاورقی به اختصار با عنوان «قم» یاد کرده است.

۴. نسخه آستان قدس رضوی: این نسخه با شماره ۱۰۷۲۹ در کتابخانه آستان قدس رضوی به خط نستعلیق، ۳۱ صفحه ۱۸ سطری به کتابت سیدابوالقاسم موجود است که بر اساس انجامه نسخه در سال ۱۲۸۳ کتابت شده است. نسخه با عبارت «بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطاهرین و لعنة الله علی اعدائهم اجمعین و بعد چنین گوید بنده ائیم کریم ابراهیم...» آغاز می شود.

قابل ذکر است که کاتب پیش از آغاز به نگارش متن رساله در صفحه نخست چنین آورده است: «مجمره و به نستمذ و نستعین و علیه توکل». انجامه نسخه نیز به صورت ذیل آمده است: «کتبه سیدابوالقاسم للمخدوم الصفی الوفی... [ناخوانا] حسنعلی تغمده الله بحسن توفیقه فی شهر جمادی الاولی من شهر سنه ۱۲۸۳ فی الهجرة عذر غلط این کتاب از غلط نسخه است با اصطلاحات غریب باید عفو فرمایند ناظرین والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته». که با توجه به عبارت «عذر غلط این کتاب از غلط نسخه است» می توان دریافت که این نسخه، تحریری از نسخه اساس است.

این نسخه اگرچه به خط نستعلیق کتابت شده اما دقت چندانی در خوانش و نگارش کلمات مشاهده نمی شود و به نظر می رسد صرفاً آنها به رونویسی متن اصلی پرداخته و همین امر اشتباهاتی را در متن به وجود آورده است. مصحح از این نسخه در پاورقی به اختصار با عنوان «آس» یاد کرده است.

۵. نسخه کتابخانه ملی: این نسخه با شماره ۱۰۵۸۸ در کتابخانه ملی به خط نستعلیق ۸۶ صفحه ۱۲ سطری به کتابت علی بن موسی بن ابراهیم موجود است که به استناد انجامه نسخه در بیست و پنجم جمادی الاولی سال ۱۳۰۶ ق؛ کتابت شده است.

نسخه با عبارت «بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين و لعنة الله على اعدائهم اجمعين و بعد چنین گوید بنده ائیم کریم بن ابراهیم اعلی الله مقامه و رفع فی الخلد اعلامه...» آغاز شده و انجامه آن نیز به صورت ذیل آمده است: «تمام شد بر دست مؤلفش کریم بن ابراهیم (اعلی الله مقامهما) در شب هفتم ماه مبارک رمضان از سنه هزار و دویست و هفتاد و دو هجری حامداً مصلياً مستغفراً والسلام و تسوید و استنساخ شد بر دست اقل عباد علی بن موسی بن ابراهیم عفی الله عن جرائمهم و فارغ شدم از تحریر آن در شب دوشنبه بیست و پنجم جمادی الاولی سنه یک هزار و سیصد و شش هجری حامداً مصلياً مستغفراً والسلام».

در این نسخه پس از پایان یافتن متن اصلی، کاتب مطلبی در دو صفحه با موضوع چگونگی پیدا کردن عدد آورده است. که بی ارتباط با میزان‌ها و مقادیر اشاره شده در متن برای ترکیب مواد سازنده عطرها نیست.

این نسخه بیشترین میزان مشابهت در متن را با نسخه اساس دارد و معمولاً در ذکر اوزان و مقادیر و نوع ترکیب‌های انواع عطرها همخوانی بیشتری با نسخه اساس نسبت به سایر نسخه‌ها دارد. نکته دیگر اینکه تصویری که از ابزار عرق‌گیری و عطرسازی در برخی از نسخه‌ها آمده در این نسخه موجود نیست.

۶. نسخه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران: این نسخه با شماره ۳۵۷۰ در بخش نسخ خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است. به خط نستعلیق و دارای ۵۸ صفحه ۱۷ سطری به کتابت حاج میرزا علی اصغر خان ضیاءالاطبّا است. نسخه با عبارت «بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين و صلى اله على سيدنا محمد و آله الطاهرين و لعنة الله على اعدائهم اجمعين و بعد چنین گوید بنده ائیم کریم بن ابراهیم...» آغاز شده و در صفحه نخست پیش از آغاز متن اصلی، نام رساله به صورت رساله مبارکه مجمره آمده است.

در انجامه نسخه نیز عبارت ذیل آمده است: «تمام شد بر دست مؤلفش کریم بن

ابراهیم در شب هفتم ماه مبارک رمضان سنه هزار دویست و هفتاد دو هجری حامداً مصلياً مستغفراً کتبه العبد الجانی حاج میرزا علی اصغرخان ملقب به ضیاءالاطبا ابن مرحوم میرزا علی اکبرخان مستوفی طهرانی در ۱۵ شهرربیع الاول ۱۳۱۹.

این نسخه بیشترین اختلاف را در ذکر مقادیر و در مواردی اختلاف در مواد تشکیل دهنده عطرها، شمامه‌ها، ارکجه‌ها، غالیه‌ها و سایر معطرات با نسخه اساس داراست به طوری که در برخی از موارد تنها نسخه ناهمخوان با نسخه اساس است.

به نظر می‌رسد کاتب در این نسخه به شیوه‌ای آزاد به کتابت از روی نسخه اساس پرداخته و هر جا لازم دانسته است به روان‌نویسی متن روی آورده و جملات را کامل نموده است. در صفحات ۳۷ و ۴۰ این نسخه نیز تصویر ابزار عرق‌گیری و عطرسازی آمده است که تقریباً به تصویر موجود در نسخه قم نزدیک است. مصحح از این نسخه در پاورقی به اختصار با عنوان «مر» یاد کرده است.

روش تصحیح و نکاتی درباره مختصات رسم الخط در نسخه

۱. معنی برخی از لغات موجود در متن مانند انکهی، مندیل، کتور/کتور/گتور/کهور، کوکلا، موتیا، کهنوند، علی‌رغم بررسی فراوان در کتب مرتبط طبی و گیاهی و نیز مطالعه در فرهنگ‌های لغت یافت نشد که ممکن است به دلایلی از جمله ضبط غلط، افتادگی حرف یا نقطه در هنگام نگارش در طول زمان و یا بی‌اطلاعی نسخه‌نویس از املا صحیح آن باشد که به ناچار برابر نهاده‌ای برای آن یافت نشد.

۲. بسیاری از لغات موجود در متن اعم از اصطلاحات عطرسازی و نام انواع گل‌ها و گیاهان با مراجعه به کتاب‌های تخصصی کهن در این حوزه به تفصیل شرح داده شد.

۳. معنی برخی از لغات نیز برای سهولت در فهم در بخش فهرست لغات و اصطلاحات آمده است.

۴. در متن نسخه غلط‌های املائی هم مشاهده می‌شود که صورت صحیح آنها جایگزین شد و در پاورقی به صورت اصلی نسخه اشاره گردید. از جمله: برخاستن بیه

معنی قصد کردن و انجام دادن که در متن به صورت برخوردار شدن آمده است. همچنین مشاطه‌گی، آلوده‌گی، مذبور.

۵. صورت املایی بعضی از کلمات در نسخه، به صورت عربی است. در این موارد اگرچه نسخه‌نویس از شیوه املایی زمان خود بهره برده است، برای سهولت در خوانش کلمات، شیوه فرهنگستان زبان، اساس نگارش و تصحیح کلمات متن قرار گرفت. مثال: کرام، سنه، حیوه، جهه، که با املای کرامت، سنت، حیات، جهت در متن آمده است.

۶. در متن، به‌طور معمول پیشنهادهای «ب و می» به ابتدای کلمات و افعال چسبانیده شده است. مانند: بکار، بقدر، بهم، میشوند، میفرمائی که در این موارد نیز رسم‌الخط فرهنگستان (جدانویسی) رعایت شده است. در اندک مواردی نیز پیشوند «می» جدا از فعل آمده است که وجود این‌گونه ناهماهنگی نشان از عدم وجود شیوه نگارشی یکسان در زمان نسخه‌نویس در کتابت متون علمی است.

۷. حذف «ه» در کلمات مختوم به «ه» هنگام اضافه شدن به «ها». مانند ارکجه‌ها و غالیها که به ارکجه‌ها و غالیها تغییر یافته‌اند.

۸. به‌کارگیری حرف «ک» به جای «گ» در برخی از لغات و تغییر آنها به صورت امروزی از دیگر موارد است که برای سهولت در خوانش و درک متن به صورت امروزی درآمد.

مثال: اکر (= اگر)، دیکر (= دیگر)، کشاد (= گشاد)، کل (= گل)، کلاب (= گلاب)
۹. استفاده از ترکیبات عربی رایج از دیگر ویژگی‌های متن است. از جمله: مسدودالقم، هادم‌اللذات، کره‌الرایحه.

۱۰. در یک مورد، صورت محاوره‌ای خُرْد به صورت خورد به معنی ریز و کوچک نوشته شده که پس از مقابله نسخه‌ها به صورت معیار آمده است.

۱۱. در مقدمه نسخه که با عنوان «در ذکر بعضی از اخبار» که در فضل طیب‌ها و عطرها آمده است، به ذکر مآخذ روایات و احادیث پرداخته شده که البته در مواردی علی‌رغم بررسی بسیار، منبع حدیث یا روایت مورد نظر یافت نشد.

۱۲. در تصحیح نسخه، در مواردی که کلمه موجود در متن اصلی در یک یا چند نسخه بدل مشاهده نشده است، علامت (-) و در صورت موجود بودن از علامت (+) به جای افعال دارد و ندارد - که معمولاً برای تصحیح متون به کار می‌رود - در مقابل علامت اختصاری نسخه مورد نظر استفاده شده است.^(۳۶)

۱۳. به دلیل ضرورت آشنایی با خواص و ویژگی‌های شکلی و درمانی برخی از گل‌ها و گیاهان موجود در این رساله، در بخش فهرست لغات و اصطلاحات، اطلاعات مفید گیاه‌شناسی و دارویی و حتی‌الامکان مفصل - به دست آمده از کتب طبّی و درمانی قدیم و معاصر - ارائه شده است.

در پایان از شکیبایی و حسن نظر مدیر فاضل انتشارات علم، جناب آقای علمی صمیمانه قدردانی نموده، توفیق روزافزون ایشان را آرزومندم.

والله اعلم

تهران - مهرماه ۱۳۹۲ خورشیدی

بهناز پیامنی

عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور

- (۱) اوستا، وندیداد، فرگرد ۲، بخش ۲۸ و ۳۶؛ عفیفی، ۱۳۸۳: ۶۳۷؛ اسماعیل پور، ۱۳۸۹: ۲۶۶؛ و کریستن سن، ۱۳۸۳: ۳۰۶.
- (۲) بلعمی، ۱۳۸۵: ۸۸.
- (۳) طبری، ۱۳۸۴: ۳۶.
- (۴) دادگی، ۱۳۸۰، فصل ۴: بند ۷-۸؛ بهار، ۱۳۸۴: ۳۰۳-۳۰۴؛ بلعمی، ۱۳۸۵: ۸۸؛ خلف نیشابوری، ۱۳۸۶: ۲۰.
- (۵) مینوی خرد، ۱۳۸۰: ۳۰.
- (۶) دادگی، ۱۳۸۰: ۸۸.
- (۷) اوستا، یشتها، ارت یشت، کرده دوم، بند ۹: ۴۶۹؛ پورداود، ۱۳۸۰: ۲۴۷.
- (۸) دادگی، ۱۳۸۰، فصل ۴: بند ۷-۸.
- (۹) همان، ۱۳۸۰: ۸۷-۸۸.
- (۱۰) اوستا، یشت ۱۷، کرده دوم، بند ۷.
- (۱۱) الیاده، ۱۳۸۵: ۲۷۳؛ یشتها، ماه یشت، بند ۴.
- (۱۲) اوستا، وندیداد، فرگرد بیستم، بند ۴.
- (۱۳) اوستا، وندیداد، فرگرد ۲۰، بند ۵-۱۰.
- (۱۴) الیاده، ۱۳۸۴: ۴۵.
- (۱۵) خلف نیشابوری، ۱۳۸۶: ۲۲.
- (۱۶) تاریخ سیستان، ۱۳۸۱: ۸۹.
- (۱۷) ف. ژیران و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۰۲.
- (۱۸) بهار، ۱۳۸۱: ۹۲.
- (۱۹) شاندرور، ۱۳۵۵: ۲۰۰.
- (۲۰) ویسهوفر، ۱۳۷۸: ۶۲.
- (۲۱) بریان، ۱۳۷۷، ج ۱: ۶۳۴.
- (۲۲) بهار، ۱۳۸۱: ۹۲؛ کالج، ۱۳۵۵: ۸۲.
- (۲۳) اوستا، وندیداد، فرگرد ۸، بخش ۲.
- (۲۴) اوشیدری، ۱۳۸۳: ۴۹۹.
- (۲۵) گای، ۱۳۸۳: ۲۸۴.
- (۲۶) طباطبایی، ۱۳۷۸: ۱۰۶.
- (۲۷) محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۷، ج ۷: ۳۳۹.
- (۲۸) همان.
- (۲۹) انصاری، ۱۳۸۱: ۳۰-۳۱.

(۳۰) همان: ۵۹-۶۴.

(۳۱) همان: ۶۰-۶۴.

(۳۲) در مقاله‌ای که با عنوان «آثار شیخیه» به قلم دکتر حسین بحرالعلومی که در صفحه ۵۳۶ مجله یغما چاپ رسیده است از این مدرسه با نام ابراهیم‌خان یا ابراهیمیه یاد شده که طبق نوشته ایشان از بناهای خوب کرمان و از مدارس زیبایی آن سامان است که دیوارهای آن از کاشی‌های نفیس پوشیده شده و اطراف آن به خط خوش اشعاری از فتحعلی‌خان صبای کاشانی کتیبه شده و موقوفاتی دارد که مدرسه سعادت کرمان هم از محل عواید همان موقوفات اداره می‌شود. کتابخانه معتبری نیز در مدرسه دایر است و بیش از شش هزار مجلد کتاب در این کتابخانه موجود است (مجله یغما، سال سی‌ام، آذر ۱۳۵۶، ش ۹، پیاپی ۳۵۱).

(۳۳) حاج سیدجوادی و دیگران، ۱۳۹۰: ۵۱.

(۳۴) دایرةالمعارف تشیع، ۱۳۹۰، ج ۱۴، چاپ اول، زیر نظر احمدصدر حاج سیدجوادی و دیگران: ۵۰-۵۱؛ همچنین برای کسب اطلاعات بیشتر درباره حاج محمدکریم‌خان کرمانی ر.ک: بامداد، شرح حال رجال ایران، ۱۳۴۷، ج ۴: ۱-۵؛ اعتمادالسلطنه، المآثر و الآثار، بی‌تا، ج ۳: ۷۸۹-۷۹۰؛ نوایی، عبدالحسین (۱۳۲۷)، "احوال بزرگان"، روزنامه یادگار، س ۵، ش ۴؛ و ش ۵: ۱۰۶-۱۱۸ و ش ۶: ۶۲-۷۳.

(۳۵) لازم به یادآوری است در این نسخه از مجموع ۱۶ برگ، پنج صفحه ۲۰ سطری و نیز یک صفحه ۱۸ سطری کتابت شده است.

(۳۶) نشانه‌ها:

«آس»: نسخه کتابخانه آستان قدس رضوی

«مر»: نسخه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران

«قم»: نسخه کتابخانه دارالحديث قم

«-»: کلمه مورد نظر در نسخه... موجود نیست.

«+»: کلمه مورد نظر در نسخه... موجود است.

«ق»: هجری قمری

«ش»: شماره

«ص»: صفحه

«ج»: جلد

«چ»: چاپ

«س»: سال چاپ

«بی‌تا»: بدون تاریخ چاپ

«ر.ک»: رجوع کنید به